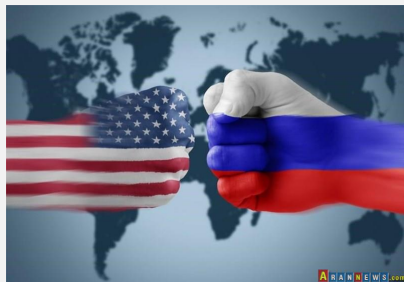


## اهداف آمریکا از تحریم روسیه

مسکو به خاطر اتفاقات اوکراین و کریمه از سوی غرب به ویژه آمریکا تحت فشار قرار دارد، تهدیدات و تحریم هایی را احساس می کند که به گونه ای شبیه تهدیدات و تحریم های غرب و آمریکا علیه ایران است



آران نیوز\_ روسیه به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند دنیا، اکنون در شرایطی قرار گرفته است که باید یک انتخاب و انتقال دوراندیشانه، منطقی و معقول را تجربه کند. مسکو که به خاطر اتفاقات اوکراین و کریمه از سوی غرب به ویژه آمریکا تحت فشار قرار دارد، تهدیدات و تحریم هایی را احساس می کند که به گونه ای شبیه تهدیدات و تحریم های غرب و آمریکا علیه ایران است. آمریکا با فشارهای خود بر روسیه سعی دارد تا علاوه بر این که نفوذ و تأثیر خود را در معادلات بین المللی نشان دهد، جایگاه مسکو را در منطقه و جهان تضعیف کند. استراتژی بلند مدت آمریکا با همراهی اتحادیه اروپا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، که باعث تضعیف جایگاه و اقتدار این کشور در دنیا شد، اکنون بر یک فروپاشی دیگر استوار گشته است. جمهوری های استقلال یافته شوروی سابق علیرغم استقلال خود، باز هم به روسیه گرایش داشتند و به طور سنتی روابط گسترده و استراتژیک خود را با مسکو از دست ندادند.

روسیه گرچه شاید توان فرهنگی و سیاسی لازم را برای بازآفرینی کشورهایی که پیش از این در اروپا از همپیمانان مهم او بودند، نداشته باشد، اما در منطقه، کشورهایی مهم و قدرتمند دیگری وجود دارد که بتوان با آنها، با گسترش روابط دوستانه تر روند حرکت خزانده و سریع غرب برای تسخیر و سلطه بر منطقه را گرفت.

### اهداف سیاسی

مجازات روسیه سرکش که مانعی در برابر گسترش تعریف آمریکایی آزادی، حقوق بشر و دموکراسی در سراسر دنیا است، آسیب به وضعیت زندگی طبقه گسترده ای از شهروندان روسیه، تحریک روحیه اعتراض در جامعه روسیه با امید به تغییر رژیم و حذف رهبر سیاسی کشور که نماد سیستم کنونی در روسیه است، می زند.

### اهداف اقتصادی

حذف روسیه از بازار گاز اروپا با هدف گرفتن جایگاه این کشور از طریق افزایش صادرات حامل های انرژی برای کاهش تراز منفی تهدید کننده تجارت خارجی. البته کاملاً مشخص است که غیر از این اهداف مشخص، اهداف پنهان دیگری هم در پشت این تحریم ها نهفته است که اصلاً رسانه ای نمی شوند. یکی از این اهداف، مقابله با توان اقتصادی و جاه طلبی های سیاسی آلمان است که در بستر ضعف اقتصادی فزاینده آمریکا کاملاً مشهود است.

اگر جهانی شدن برای آمریکا به تضعیف صنایع منجر شده است و ایالت های مختلف این کشور با مشکلات مالی فراوانی روبرو شده اند؛ آلمان در فرایند جهانی شدن یک برنده کامیاب است. برخلاف آمریکا که کسری تجارت خارجی (502 میلیارد دلار در سال 2016) و بودجه دولتی (4/4 درصد تولید ناخالص ملی) را تجربه می کند، آلمان در تمام این شاخص ها برای سال های طولانی فقط رشد مثبت را تجربه کرده است.

برتری صنعتی آلمان بر آمریکا در ساختار تجارت دو جانبه نیز خود را نشان می دهد (آلمان برخلاف آمریکا بیشتر محصولات با تکنولوژی بالا نظیر اتومبیل، دستگاه و تجهیزات به آمریکا صادر می کند). علاوه بر این جریان سرمایه گذاری هم همین روند را نشان می دهد. میزان سرمایه گذاری های مستقیم تولیدی آلمان در آمریکا در سال 2016 (255/5 میلیارد دلار) یعنی دو برابر میزان سرمایه گذاری آمریکا در آلمان (108/1 میلیارد دلار) است. میزان گردش مالی شعب کمپانی های آلمانی در آمریکا 466/4 میلیارد دلار بیشتر از گردش شعب کمپانی های آمریکایی در آلمان یعنی 365/5 میلیارد دلار بوده است.

دقیقاً همین برتری فزاینده اقتصادی آلمان یکی از دلایل اختلافات بین ترامپ و مرکل است. اظهارات ترامپ در نشست سران ناتو در خصوص اینکه آلمان تعهدات مالی خود در قبال ناتو را انجام نمی دهد و مبالغ هنگفتی به ناتو بدهکار است، درخواست افزایش هزینه های نظامی به میزان 2 درصد تولید ناخالص ملی، خروج از توافق پاریس، اختلاف شدید در خصوص اصول تجارت آزاد، فقط نمونه هایی از فهرست بلند اختلافات دو طرف است. گفته های مرکل در خصوص اینکه اروپا دیگر نمی تواند به آمریکا امید داشته باشد و باید «سرنوشت خود را در دست بگیرد» در رسانه ها انعکاس فراوانی یافت. اگر چه مرکل آنچه در رسانه ها در خصوص تلاش آلمان برای بدست آوردن رهبری اروپا منتشر می کنند، را تکذیب می کند ولی رسانه های آمریکایی مطالب متعددی در خصوص اینکه آلمان تلاش دارد رهبر جدید اروپا شود، منتشر می کنند.

ترامپ به شدت از سیاست اقتصادی «تهاجمی» آلمان، تراز مثبت تجاری به نفع آلمان (که در سال 2016 بیش از 67 میلیارد دلار بود)، روش های ناسالم رقابت و کاهش تعمدی ارزش یورو انتقاد می کند. ترامپ آشکارا تهدید می کند که ممکن است برای واردات اتومبیل های آلمانی مالیات وضع کند.

البته «حمایت از تولیدات داخلی» تنها ابزار آمریکا برای مقابله با توان روبه رشد آلمان نیست. یکی از برتری های صنعت آمریکا بر آلمان؛ دسترسی آمریکا به منابع ارزان انرژی است. آمریکایی ها همیشه این را خوب درک کرده اند که یکی از دلایل اصلی ممنوعیت صادرات گاز و نفت آمریکا این بوده که در کنار حفظ امنیت انرژی، سوخت ارزان قیمت در اختیار تولیدکننده آمریکایی قرار بگیرد.

قیمت گاز طبیعی در میدان گازی Henry Hub در آمریکا در ماه ژوئیه 8/2 تا 3 دلار برای MMBtu (هر میلیون BTU واحد حرارتی در انگلیس) بود، این در حالی است که حتی قیمت گاز روسیه در مرز آلمان 98/4 دلار برای MMBtu است. ارزان بودن سوخت در داخل آمریکا یک مزیت بزرگ برای رقابت پذیر بودن صنایع این کشور مانند پتروشیمی و متالوژی است.

ترامپ تصمیم گرفته تا با کمک «انقلاب شیلی» آمریکا را به «ابرقدرت انرژی» و یک صادرکننده بزرگ انرژی تبدیل کند. باید گفت که آمریکا این ظرفیت را دارد که به غول انرژی تبدیل شود. سال 2016، آمریکا 8/6 میلیون بشکه نفت در روز استخراج می کرد، سال 2015 این رقم به 4/12 میلیون بشکه در روز رسید. استخراج گاز نیز در ده سال گذشته 40 درصد افزایش یافته و آمریکا در سال 2013 با پشت سر گذاشتن روسیه به جایگاه اول استخراج گاز دست یافت.

رقم دقیقی در مورد قیمت گاز مایع آمریکا در اروپا وجود ندارد، اما ارزیابی های کارشناسی امکان تخمین دقیق قیمت را فراهم می آورد. با احتساب هزینه های استخراج گاز شیل در آمریکا که برابر 4 دلار برای هر MMBtu یا 128 دلار برای هر هزار متر مکعب است، هزینه های لجستیکی، هزینه سنگین ساخت کارخانه های گاز مایع، هزینه ترمینال های دریایی و سود در نظر گرفته شده، می توان گفت که گاز مایع آمریکا در اروپا باید 8 دلار برای MMBtu یا 256 دلار برای هر هزار متر مکعب قیمت داشته باشد.

به نظر می رسد که کمپانی های آمریکایی برای دستیابی به بازارهای جدید در سال 2016-2017 گاز خود را به ضرر یعنی با قیمتی حدود 6/5 دلار برای MMBtu در اروپا عرضه کرده اند. قیمت گاز روسیه در اروپای غربی بین 96/3 تا 95/4 دلار برای MMBtu بود. صادرات گاز با قیمت 4/3 دلار برای MMBtu برای روسیه درآمدزاست.

خارج کردن گاز ارزان روسیه از بازار آلمان و جایگزینی آن با گاز گران آمریکا نه فقط تراز منفی تجارت آمریکا با آلمان را بهبود می بخشد بلکه تولید در آلمان را گرانتر کرده و رقابت پذیری کالاهای آلمانی را نیز کاهش خواهد داد.

علاوه بر این بدست گرفتن آرام آرام بازار انرژی آلمان، توانایی آمریکا برای کنترل سیاست خارجی و دفاعی «بهترین دوست» را افزایش می دهد. کمترین شکی نداریم که در صورت

لزوم، آمریکا بدون هیچ تردیدی صادرات گاز و نفت خود را به صورت کامل به آلمان قطع می‌کند. آنها همین کار را در خصوص قطع کامل واردات نفت از ایران و لیبی انجام داده‌اند.

موفقیت آمریکا در حوزه انرژی نه فقط اقتصاد آمریکا را تحکیم می‌کند بلکه ابزار جدیدی برای پیشبرد سیاست خارجی را نیز در اختیار واشگتن قرار می‌دهد. آمریکا اهرمی خواهد داشت که می‌تواند علیه روسیه یا آلمان یا هر کشور «غیردوستی» از جمله ایران از آن استفاده نماید.

باید به خاطر داشت که همزمان با افزایش صادرات گاز مایع و نفت شیل، آمریکایی‌ها راحت‌تر می‌توانند تحریم‌های جدیدی را وضع کنند و اتحادیه اروپا را به همراهی با این تحریم‌ها متقاعد سازند. آمریکا در آغاز سال 2000 تلاش زیادی کرد تا اروپایی‌ها را برای تحریم واردات خرید نفت ایران متقاعد سازد ولی اروپایی‌ها از ترس افزایش قیمت مخالفت کردند. آنها در سال 2011 یعنی زمانی که آمریکا تولید داخلی خود را افزایش داد و واردات نفت از طرف سوم را کاهش داد و همین کاهش خرید باعث شد تا نفت به بازار اروپا رفته و جایگزین نفت ایران شود، حاضر شدند با تحریم نفت ایران موافقت نمایند.

مخالفت اروپا  
یونکر پیش از این در حاشیه نشست سران 20 اقتصاد بزرگ جهان موسوم به «گروه 20» در هامبورگ نیز «بدون تعارف» با آمریکایی‌ها سخن گفته بود. رئیس کمیسیون اروپا که از تصمیم ترامپ برای اعمال محدودیت بر واردات فولاد از اروپا هم عصبانی بود به خبرنگاران گفت: «جزئیات را نمی‌گویم اما مطمئن باشید ما هم طی چند روز مقابله به مثل می‌کنیم.» سخنان یونکر برای نخستین بار از اختلاف نظر میان اروپایی‌ها با کشوری خبر می‌داد که دست‌کم طی 7 دهه پس از جنگ جهانی دوم، متحد و شریک اصلی آنها بوده است.

مشکل اروپایی‌ها با تحریم‌های روسیه نه به‌خاطر منافع مسکو بلکه به‌خاطر منافع خودشان است. اروپایی‌ها به گاز روسیه احتیاج مبرم دارند و تحریم‌های جدید آمریکا می‌تواند امنیت تأمین گاز کشورهای اروپایی را به خطر بیندازد. علاوه بر این، تحریم‌های آمریکا شرکت‌های بزرگ اروپایی از جمله شل هلند، اواموی اتریش و باسف آلمان را که در پروژه‌های خط لوله گاز روسیه به آلمان مشارکت دارند تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. نگرانی بزرگ‌تر برای اروپایی‌ها، تصویب تحریم‌های جدید علیه روسیه در چارچوب قانون است؛ چراکه لغو قوانین حتی زمانی که دلیل اصلی تحریم رفع شده باشد به این سادگی‌ها اتفاق نمی‌افتد.